

اینشتین و مذهب

«علم بدون مذهب لنگ است و مذهب بدون علم کور»

ترجمه
ماکس یامر

ترجمه
شهرام تقی زاده انصاری



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه: یامر، ماکس
عنوان و نام پدید آور: اینشتین و مذهب: علم بدون مذهب لنگ است و مذهب بدون علم کور / نوشته
ماکس یامر؛ ترجمه شهرام تقی زاده انصاری
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.: مصور
شابک: 978-600-435-036-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یا: داشت: عنوان اصلی: Einstein und die Religion, 1995.
یا: است: کتابنامه: ص ۱۲۷-۱۳۶
عنوان دیگر: علم بدون مذهب لنگ است و مذهب بدون علم کور
موضوع: اینشتین، آلبرت، ۱۸۷۹-۱۹۵۵ م.
موضوع: Einstein, Albert
موضوع: علم و دین
موضوع: Religion and science
شناسه افزوده: تقی زاده انصاری، شهرام، ۱۳۲۴ - ، مترجم
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده بندی کنگره: ۲۴۰ / ۲ ی ۲۱۵
رده بندی دیویی: ۲۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۳۰۰۸



انتشارات اطلاعات
تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۰۳۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۱۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۰۶۰۷۳۴

اینشتین و مذهب

نوشته ماکس یامر
حروف نگار: وحید اوزین
طراح جلد: رضا گنجی
ترجمه شهرام تقی زاده انصاری
صفحه آرا: رحیم رمشانی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۳۶-۵ ISBN: 978-600-435-036-5

Printed in Iran همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۷	مقدمه از: یورگن آوردوچ
۲۳	خلاصه زندگانی آلبرت اینشتین و برگزیده سخنان او
۳۱	مذهب و علم
۳۹	علوم طبیعی و مذهب
۴۹	احساس مذهبی اینشتین
۵۹	نظر اینشتین درباره مذهب
۸۳	تئوری‌های فیزیکی اینشتین و خداشناسی
۱۳۱	منابع
۱۳۷	نامه پروفیسور وایتسکر به ماکس یامر

مقدمه مترجم

کتابی که پیش رو دارید در نوع خود، یکی از بهترین کتابهایی است که در مورد «اینشتین و مذهب» تا به حال به ما رسیده است. هاروارد نوشته شده است. شاید وی برای اینشتین بار سعی کرده با در نظر گرفتن روابط ریاضی - فیزیک با فلسفه، نتیجه با «اراده انسان» و مسئله «خداوند»، ارتباط علم و دین را از نو مطرح سازد. او ضمن مطالعه و تحقیقات بسیار در مدارک جدید، مسائل خوبی را در زندگی اینشتین مطرح و شرح کرده است. ولی متأسفانه با اینکه وی حدود ۱۷۰ منبع را آخر کتاب ضمیمه کرده است، اما سه مقاله اصلی مهم اینشتین و دو مصاحبه مهم او در مورد «علم و دین» را به طور کامل نیاورده است و فقط از سه مقاله، نقل قولهایی کرده است با اینکه اصل مقالات و مصاحبه ها قطعاً افکار و عقاید اینشتین درباره مذهب و رابطه آن با دین را بهتر نشان می داد. شاید وی این مصاحبه ها را ندیده است و یا غفلت کرده و خدای نکرده غرضی در کار بوده است. به این دلیل این جانب که هنگام اقامت در برلین و تحصیل در دانشگاه

فنی برلین غربی (۱۳۶۴-۱۳۵۲) روی افکار و عقاید اینشتین مطالعه کرده بودم و بعداً نیز مقالاتی در این مورد در مجله ذهن (سال ۶-۱۳۸۴) نوشته بودم، به محض مطالعه این کتاب و ترجمه آن به این نقص پی بردم و بر آن شدم که خلاصه زندگی اینشتین و برگزیده سخنان او و خلاصه دو مصاحبه و اصل سه مقاله مزبور را ترجمه کنم و در ابتدای کتاب بیاورم تا خوانندگان نیز خودشان با عقاید و افکار اینشتین آشنا شده و قضاوت کنند؛ چون اینشتین در طول زندگی اش همیشه از تأثیر دین در جامعه - همان طور که ما می بینیم - صحت کرده است. ضمناً نقدی از استاد جعفری درباره عقاید مذهبی اینشتین را در پاورقی مقاله «مذهب و علم» آورده ام تا این مسئله بیشتر روشن شود. نامه به وفسور کارل فریدریش فون وایتسکر - فیزیکدان و فیلسوف معاصر - نیز به فهم محتوای کتاب کمک کرده است.

در خاتمه لازم دانستم، نامه ای کوتاه در مورد رابطه علم و دین در غرب و نظریات بعضی از بنیادگاران آنجا را ذکر کنم تا کمکی به مطالب این کتاب کرده باشد:

ادیان و حیانی که پیرو دین فطری - خیرین، ابراهیم (ع) هستند، نمی توانند مخالف علم باشند؛ چون عقیده دارند جهان هستی و نجات انسانی، هر دو آیات الهی اند و باید آنها را درک کرد و شناخت. از طرف دیگر، آن مجید حدود ۷۵۰ آیه درباره حمایت از علم و شناخت واقعیات دربردارد که این مسئله نیز نشان دهنده سازگاری علم و دین در اسلام است.^۱

جرج سارتن می گوید: «در تمام ادوار تاریخ، علم و دین در یکدیگر تأثیر متقابل داشته و دارند. البته در گذشته این تأثیر کم رنگ تر بوده است و روابط میان علم و دین اغلب جنبه تعرضی داشته و در بسیاری از اوقات

۱. علم و دین در حیات معقول، محمدتقی جعفری، ص ۲۲-۱۷.

به صورت جنگ و ستیز درآمده است؛ اما این پیکار در حقیقت میان علم و دین نبوده است، زیرا بین آنها نمی‌تواند جنگی وجود داشته باشد، بلکه جنگ میان علوم و الهیات بوده است.^۱

رنه دکارت می‌گوید: «نه علم، دین را در تنگنا قرار می‌دهد و نه دین، علم را؛ استقلال هر دو مقوله قابل پذیرش یکدیگر می‌باشد؛ زیرا میدان علم، طبیعت است و وسایل آن، ریاضیات است و تجربه و میدان دین، سرنوشت‌های روح انسانی است که به سوی ابدیت سرازیر می‌شود.»^۲

ویلهلم هگاس می‌گوید: «علم و دین، دو حقیقت مستقل نیستند، بلکه هر دو از حالات ضروری عقل محسوب می‌شوند و برای رشد عقل دنبال یکدیگر می‌افتند.»^۳

هربرت اسپنسر می‌گوید: «غالباً آید که دین و علم با یکدیگر تضاد دارند، اما افراد زیادی از متفکران معتقدند که اصول علم و دین ناسازگاری اساسی با یکدیگر ندارند.»^۴

ماکس پلانک می‌گوید: «هرگز تضاد واقعی میان علم و دین پیدا نخواهد شد، چه یکی از آن دو مکمل دیگری است ... این تصادفی نیست که متفکران بزرگ همه اعصار چنان نفوس دینی ررف داشته‌اند، ولو اینکه چندان تظاهری به دینداری خود نکرده باشند.»^۵

شهرام تقی، «ماری

۱. سرگذشت علم، جرج سارتن، ص ۴۲.

۲. علم و دین، امیل بوترو، ترجمه احمد فؤاد، ص ۱.

۳. همان، ص ۲۵.

۴. همان، ص ۷۴.

۵. علم به کجا می‌رود، ماکس پلانک، ترجمه احمد آرام، ص ۲۳۴.

مقدمه مؤلف

هیچ شکی در این نیست که آلبرت اینشتین با آثار علمی خود در تکامل علم فیزیک تأثیر بسزایی داشته و با کمک تئوری نسبیت خود، تصویر جهان را از نظر فیزیکی و فلسفی در آرن ما به کلی تغییر داده است. به این جهت تعجب آور نیست که در کتاب و مقالات علمی بسیار مفصلی درباره زندگی و آثار فیزیکی و فکری اینشتین برای مطالعه و تحقیق نوشته شده است، ولی متأسفانه به قسمتی از زندگی فکری او یعنی «نظر او درباره مذهب و جوهر احساس مذهبی آفرینش» کمتر توجه شده است. حتی مراجع جدید که درباره زندگی شخصی اینشتین توسط پسرش، هانس آلبرت^۱ نگهداری شده است، به اضافه نامه‌ها و اسناد ناشناخته شده، درباره رابطه اینشتین و مذهب، حرفی درست و حسابی نمی‌زنند.

1. Hans Albert.

وظیفه مؤلف این کتاب، این است که به این نکته مهم بپردازد. من باید متذکر شوم که هدفم، تبلیغ یا دفاع از نظر اینشتین نیست. بیشتر می‌خواهیم از نظر علمی به این موضوع نگاه کنم و تا آنجا که ممکن است، حقیقتاً از نظر فلسفی و تاریخی درباره آن بحث کنم و از هرگونه قضاوت ارزشی، چه مثبت و چه منفی خودداری نمایم.

من فکر می‌کنم که اینشتین به چنین گزارش علمی‌ای کاملاً راضی باشد. او هیچ‌وقت در این فکر نبود که به عنوان یک مسیحی متجدّد و به خاطر احترام به همی‌اش، پیروانی پیدا کند، و هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد خود را مبرّان اشتباه بداند. او در جواب کارت تبریکی که در سال ۱۹۴۹ به خاطر هفدهمین سالگرد تولدش، از دوستش ماریک سولووینه^۱ دریافت کرد، نوشت: «شما صبر می‌کنید که من با رضایت و آرامش به آثار زندگی گذشته‌ام نگاه می‌کنم اما ترا نزدیک ببینم، قضیه برعکس است. من معتقد به هیچ مفهوم ثابت و پایانی نیستم، و احساس نمی‌کنم که مطمئناً در صراط مستقیم قرار دارم.» شکی نیست که انسان ممکن است اشتباه کند. اینشتین در جای دیگری درباره مرگ مثبت داشتن نوشته است: «کسی که می‌خواهد در حوزه حقیقت و شناخت، مزاحمت داشته باشد، خداوند به او خواهد خندید.» هرکس می‌تواند افکار اینشتین درباره مذهب را مطالعه کند و به آن احترام بگذارد، بدون آنکه آن را ردّ قبول کند^۲ ولی باید در تشخیص ماهیت آن بحث شود.

مقاله پروفیسور کارل فریدریش فون وایتسکر (فیزیکدان معاصر)، نمونه‌ای از این احترام است که یک مسیحی مؤمن در برابر جهان‌بینی اینشتین می‌تواند داشته باشد. مثال دیگر، آبراهام جی. کوک^۳ است که یک

1. Maurice Solovine.

2. Abraham J. kook.

روحانی یهودی متعصب در شهر تل آویو^۱ می باشد. وقتی که اینشتین در سال ۱۹۲۳ از سفر ژاپن برمی گشت، در شهر تل آویو، نامه ای از او دریافت کرد که در این نامه کوک به اینشتین خوشامد گفته و از او، برای یک مصاحبه دعوت کرده بود.

این مصاحبه که در شهر بیت المقدس^۲ برگزار شد، توسط منشی آقای کوک، آقای شرلمن^۳ نوشته شد و دارای نکات بسیار روشنی است. این نیز شاهان دیگری است که یک مؤمن معتقد، چه یهودی باشد چه مسیحی، با اینکه در مورد بنیادهای بنیادولوژی با اینشتین اختلاف نظر داشت، به فلسفه مذهب او کاملاً احترام می گذاشت و در بعضی از موارد نیز با او همفکری داشت. با وجود تناقضها، تزارهای مذهبی اینشتین که می گوید: «احساس مذهبی برای دانشمندان طبیعت الهام می شود» با آیه ۱۹ کتاب مزامیر حضرت داوود که می گوید: «آسمانها جلال خداوند را بیان می کنند»، سازگار است.

دو قسمت اول این کتاب، تکمیل شده سخنرانی ای است که من در روز ۲۶ ماه اکتبر ۱۹۹۳ به دعوت وزارت فرهنگ براندنبورگ^۴ آلمان، در خانه ییلاقی اینشتین واقع در کاپوت^۵ در کنار شهر پوتسدام^۶ که هنوز باقی است، ایراد کردم. من هنگام نوشتن این مقالات، اظهار تأیید نکردم که چرا در مصاحبه هایم با اینشتین که در پرینستون، در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۲ برگزار شد، فقط درباره فیزیک و فلسفه صحبت کردم. من مصاحبه های با

1. Tel-Aviv.

2. Jerusalem.

3. Schulman.

4. Brandenburg.

5. Caputh.

6. Potsdam.

اینشتین را در مقالاتم نیاورده‌ام. بایگانی موجود اینشتین در کتابخانه ملی دانشگاهی در شهر بیت المقدس بیشترین کمک را به من کرد. من خودم را موظف می‌دانم که از زحمات روزن کرائتس^۱ که هنگام مطالعه من، راهنمایی‌های فنی مربوط را کردند، تشکر کنم.

خصوصاً از پروفیسور وایتسکر کمال تشکر را دارم که تذکرات عمیقی در مقاله خود دادند و نیز اجازه چاپ آن را به من محول کردند. همچنین از پروفیسور یورگن آوَر در چ ممنونم که مقدمه جالبی بر کتاب من نوشت. ضمناً از اد دلیان^۲ و دکتر گاری اسمیت^۳ به خاطر سازمان دادن سخنرانی‌ام در پیش‌مینا، اینشتین، متشکرم. همچنین از دکتر آرتور گوِزر^۴ و ایراستار انتشارات دانشگاهی کنستانس^۵، به خاطر زحماتی که روی رساله من کشیدند، سپاسگزارم.

ماکس یامر

فوریه ۱۹۹۵

منابع

1. Brief von Einstein an Solovine (1949/3/28)
2. Aphorismen, Einstein - Archiv No.35-015
3. Brief von Rabbiner Book an Stern (1923/2/4)

-
1. Rosenkrantz.
 2. ED Dellian.
 3. Gary Smith.
 4. Artur Göser.
 5. Konstanz.